

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ارسالی کیانوش
۱۶ جون ۲۰۱۸

علیه درون خوری تشکیلاتی

مقدمه

در جوامعی که ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی مثل سرزمین به خون تپیده ما افغانستان بیداد می نماید، طبقات مختلف چنین جوامعی بنا بر منافع طبقاتی خویش یا، خودستمرگ مؤید تجاوز بوده و یا هدف آن واقع می شوند و علیه آن می ایستند. از موضع همین منافع اجتماعی است که طبقات و نیرو های سیاسی در قبال رویداد ها و روند های سیاسی واکنش متفاوت نشان داده متناسب به آن موضع گیری می نمایند.

جوامع عقب نگهداشته شده نظیر کشور ما، در نتیجه کندی و عدم رشد سالم و یا رشد معوج نیروهای مولده بالانتر سیطره حاکمیت ارتجاعی و موجودیت بیشتر از یک نوع مناسبات تولیدی در پهلوی سیادت همه جانبه امپریالیسم، ساختار طبقاتی پیچیده داشته و طبقات و اقشار اجتماعی آن، خلاف کشور های پیشرفته سرمایه داری دارای افکار و مرز بندی و تفکیک طبقاتی روشن نیستند. مع الوصف چنین ویژگی، باز هم هر جریان سیاسی برحسب منافع طبقاتی پایه اجتماعی اش عرض اندام نموده و نمی تواند از آن موضع طبقاتی عدول نماید، ولو این که جامعه مفروض عقب افتاده و از لحاظ اقتصادی نارس هم باشد. وجود عینی طبقات و سلطه اقتصادی طبقاتی در چنین جوامع هم بازتاب دهنده ضرورت و زاینده افکار و مؤسسات روبنائی سیاسی - حقوقی آن جامعه است. بناءً هیچ جریان سیاسی در جامعه طبقاتی وجود ندارد که خواست و منافع ماورای طبقاتی داشته باشد.

حاکمیت های خشن استبدادی، سلسله های دودمانی مورثی استبداد شرقی (دسپوتیزم) همراه با سیطره دیرپای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم فئودالی و یورش های وحشیانه مکررمتجاوزین توانسته است سیر تکامل تاریخی جامعه ما را به کندی و انحراف بکشاند و تأثیرات مخرب خود را بر شعور اجتماعی مردم تحت سلطه باقی گذارده و باعث قطع رابطه جامعه با گذشته تاریخی - فرهنگی آن گردد.

مذهب از آوان ظهور طبقات به مثابه مدافع طبقات حاکم و آسمانی جلوه دادن حاکمیت آنها، به اغفال توده های تحت ستم عمل نموده است و همچنان عوامل تاریخی چندگانه در تحت سلطه طبقاتی نیرو های ارتجاعی،

زمینه را برای رشد مذهب، خرافات و تصوف و استمداد جستن از نیروهای غیبی مساعد ساخته و توده های ستمکش را به سوی تخریب معنوی، انفعال و بی تفاوتی در مقابل ستمگران کشانیده است.

اما برهه های مختلف تاریخی شاهد قیام و شورش ستمکشان به محض ایجاد کوچکترین شگاف در سیستم حاکمیت بوده است. این عصیان های بحق ستمکشان با آرمان های آزادیخواهانه به، دلیل بی بهره بودن از افکار و روش های علمی مبارزاتی و عدم تناسب قوای دو طرف، همواره قرین موفقیت نبوده است. یعنی به رغم دستاوردهای ناچیز منجر به آزادی انسان از بند و اسارت نگردیده است.

اما به قدامت ظلم و ستمگری در جهان، مبارزات محکومان عیله حاکمان ستمگر وجود داشته و ستمکشان با تجربه اندوزی و درس آموزی از آن، در فراز های بعدی مبارزه ابزار و روش های مبارزاتی و اشکال سازماندهی را برای نیل به پیروزی بنا بر ضرورت ابداع کرده و تکامل بخشیده اند. تجارب تاریخی گواه آنست که بدون تئوری علمی انقلابی و ابزار تشکیلاتی تحقق و تلفیق تئوری با روش های مؤثر عمل انقلابی و تکامل پیوسته آن، طبقات و خلق های تحت ستم نمی توانند بساط ستمگری را برچینند.

اشکال تبارز درون خوری تشکیلاتی:

در کشور های تحت ستم دارای ساختار اجتماعی - اقتصادی نیمه مستعمراتی / مستعمراتی - نیمه فئودالی تعداد زیادی از روشنفکران و سایر خرده مالکان شهر و روستا بنابر موقعیت ستم کشی شان به سوی انقلاب و تشکلات انقلابی روی می آورند. وجود افکار مخالف و متضاد در درون یک تشکل انقلابی بازتاب دهنده وجود طبقات و لایه های اجتماعی در سطح جامعه است. در درون سازمان و حزب پیشرو انقلابی مبارزه میان دو خط (خط ایدئولوژیک - سیاسی پرولتری و خط ضد یا غیرپرولتری) وجود دارد به و عنوان بازتاب وجود عینی طبقات ادامه می یابد. این مبارزه ایست اجتناب ناپذیر و از دید هر دو خط لازم و مبتنی بر قانون دیالکتیکی تضاد. درون خوری تشکیلاتی ناشی از موقعیت طبقاتی خرده بورژوازی - خرده مالکی اعضای سازمان های انقلابی است.

خرده بورژوازی نه در موقعیت طبقه گارگر قرار دارد و نه در موقعیت طبقه بورژوازی، بلکه آمیزه ای از این دو است. بنا به گفته مارکسیم گورکی "او در هر عروسی، داماد و در هر تشییع جنازه ای، فقید است."

رشد و تمرکز صنعت، سرمایه و حتی زراعت در نظام سرمایه داری بر ویرانه های فئودالیسم عامل ورشکستگی خرده مالکان شهر و روستا و تجزیه افشار خرده بورژوازی به طرف طبقه کارگر و بورژوازی بوده است.

در کشور های تحت سلطه ای مثل افغانستان خرده بورژوازی به عنوان یک طبقه ستمکش همواره در معرض ستم فئودالی - بوروکراتیک و مظالم امپریالستی بوده و از جایگاه قبلی خود دور می گردد و سیر زندگی دیگر برایش مجال برگشتن به جایگاه از دست رفته قبلی را نمی دهد.

این موقعیت اجتماعی ستمکشی و اعمال ستم چند لایه، زمینه های ذهنی تحول طلبی، چنگ زدن به اندیشه های انقلابی و در نتیجه پیوستن و همراهی اقشار روشنفکر و غیر روشنفکر خرده بورژوا با موج های تحولات انقلابی علیه امپریالیسم، فئودالیسم و بورژوازی کمپرادور را مساعد می سازد.

در شرایط اوج ستمگری ارتجاع و امپریالیسم، عصیان خرده بورژوازی به نقطه انفجاری رسیده و برای فوران آن، خرده مالکان شهر و ده به سازمان ها و احزاب انقلابی می پیوندند.

با ورود به سازمان های انقلابی و سایر گردان های انقلابی، خرده بورژوازی افکار و جهان بینی خود را که زاده موقعیت اجتماعی بی ثبات و متزلزل اوست، با خود به سلول های تشکیلات انقلابی می برد.

تغییر افکار و خصال خرده بورژوائی که شرط اساسی تغییر انقلابی فرد خرده بورژوا است، پروسه ای است طولانی و تدریجی و اغلب از تغییر شرایط عینی و واقعی آنها عقب تر می ماند.

در صورتی که اعضاء و کادر های یک تشکل انقلابی از طریق آموزش و مبارزه درونی ایدئولوژیک مداوم و شرکت در مبارزه عملی نتوانند به تغییر افکار، منش ها و خصائل خرده بورژوائی خود نایل آیند، به سهولت می تواند سازمان انقلابی را بیالاید.

پایه های عینی و ذهنی درون خوری تشکیلاتی در موقعیت اجتماعی خرده بورژوائی، در تفکر خرده بورژوائی، در فقدان پراتیک داغ مبارزاتی که هر ادعا را محک بزند و زنگار فکری - خصلتی خرده بورژوا را بزدايد؛ در تقابل ایدئولوژیک اندیویدوالسیم (منش فردی) خرده بورژوائی و کولکتویسم (جمع گرایی) پرولتری در سازمان های انقلابی تبارز می کند.

ایدئولوژی اندیویدوالسیم و منش های خرده بورژوائی در تقابل با کولکتویسم پرولتری در اشکال تکروری ها، تصامیم فردی، خود را مافوق تشکیلات دانستن، فعال مایشاء بودن، به فیصله ها و تصامیم جمعی تشکیلاتی بی اعتناء بودن، سرباز زدن از دستور ها و رهنمود های کاری رهبری منتخب و باصلاحیت تشکیلاتی، قبل از اخذ دستور از مراجع رهبری تصمیم گرفتن و عمل کردن، پیشنهاد و یا انتقاد ولو سازنده و وارد را نپذیرفتن، انتقاد را با انتقاد جواب دادن، و غیره موارد در پراتیک و سبک کار اعضاء و کادر های یک تشکل انقلابی مجال تبارز عملی می یابد.

دلیل جا افتادگی درون خوری تشکیلاتی را در تفکر عملکرد کادر ها و بدنه سازمان انقلابی، چنین برمی شماریم:

- ۱- کمبود کادر های متعهد و مستعد به تطبیق خط انقلابی؛
- ۲- فقدان و یا ضعف آموزش تئوریک مداوم و مبارزه درونی ایدئولوژیک علیه افکار، گرایش ها و روش های انحرافی از موضع خط فکری - سیاسی و اصول تشکیلاتی انقلابی؛
- ۳- کم کاری، بی عملی و گرایش به پاسویته مادر تمام انحرافات مخرب در یک سازمان انقلابی است؛
- ۴- فقدان تلاش مؤثر در اجرای خط انقلابی و نفوذ مادی آن در میان توده ها؛

عوامل اساسی فوق‌ضمن کاستن از نیروی مبارزاتی یک‌گردان انقلابی به گفته زنده یاد رهبر « خصم امپریالیسم و ارتجاع » در شرایط فقدان مبارزات دایم و داغ عملی، زمینه‌های تبارز درون‌خوری را زاید در یک سازمان انقلابی در اشکال زیر مساعد می‌سازد:

- ۱- خود شیفتگی و خودسنائی و تنفر از انتقاد دیگران؛
- ۲- برتری جوئی و جاه‌طلبی؛
- ۳- برخورد قلدرمنشانه و غیر رفیقانه در مقابل رفقاء؛
- ۴- برخورد پدرسالارانه در مقابل جوانان طبق‌هیرارشی فنودالی و عدم تمایل به ارتقاء آگاهی و رشد شخصیت فکری - اجتماعی رزمندگان جوان و کم‌رشد در راستای تکامل تعهد احساسی آنان به تعهد فکری سیاسی و تشکیلاتی آگاهانه و رزمجویانه؛
- ۵- تمایل به منفعت جوئی و راحت‌طلبی و در برخی موارد توجیه آن؛
- ۶- عدم صداقت انقلابی؛
- ۷- فقدان اراده و اعتماد به نفس.

راه‌های غلبه بر انحرافات فکری، سیاسی و تشکیلاتی:

باید سطح آگاهی ایدئولوژیک - سیاسی را از طریق آموزش منظم مبانی تئوری انقلابی (م ل ا) ارتقاء بخشیده و با استفاده از فحوای آن با راه‌اندازی مبارزه ایدئولوژیک درون‌سازمانی، به وحدت فکری - سیاسی دست یافته و بدون تعلل با تطبیق موازین آئین‌نامه‌ئی مثل «انتقاد و انتقاد از خود» و «سانترالیسم دموکراتیک» تعریف شده در آئین‌نامه سازمان (نه تعریف من‌درآوردی)؛ انسجام تشکیلاتی و وحدت اراده و عمل سازمان را به دست آریم.

- نقش کادرها در تطبیق خط‌مشی یک‌حزب و سازمان انقلابی در جریان مبارزه انقلابی برای رسیدن به اهداف مطروحه آن نهاد، اهمیت ویژه‌ای دارد. ستالین در خصوص نقش کادرها در تطبیق خط‌مشی یک‌تشکل انقلابی گفته است: « پس از این‌که مشی سیاسی معین شود، کادرها تعیین‌کننده می‌شوند». تمامی کادرها و اعضای سازمان مکلف‌اند در بدترین حالت مطالعات خود را در مورد تاریخ کشور، در مورد سه‌منبع و سه‌جزء تکامل‌یابنده مارکسیسم و هکذا تاریخ احزاب انقلابی و انقلاب‌های جهانی ارتقاء بخشند.

این پژوهش‌ها و دریافتهای اجتماعی - تاریخی باید مبتنی بر قوانین و روشهای ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی باشد.

- در امور تشکیلاتی باید اصول زندگی دموکراتیک را تحت رهنمود دایمی ستاد رهبری‌کننده سازمان اصولاً اجراء کرد. تمامی ارگان‌های سازمان باید آگاهانه از دساتیر و رهنمودهای اصولی مرکزیت پیروی نمایند. مضمون دساتیر و رهنمودهای مرکزیت سازمان باید در حلقات تشکیلاتی توسط دبیر حلقه به اعضا تفهیم شده و باید کاملاً قابل‌درک و پذیرش گردد در این جریان است

که ارگان رهبری منتخب به حیث تجسم مرکزیت و انضباط آگاهانه و مدافع و ممثل منافع کلی جمع، در ارتباط ارگانیک با بخش های سازمانی در پرتو اصل سانترالیسم دموکراتیک، می تواند با برخورداری از اوتوریت (اقتدار) جمعی، رهبری متمرکزی را به شیوه دموکراتیک اعمال نموده و در امر اجرای وظایف نتایج خوبی به دست آورد.

- کاربرد سلاح انتقاد بهترین وسیله استحکام و تکامل تشکیلات انقلابی است، اما نباید عیب جوئی و انتقام جوئی شخصی از آن مستفاد شده و یا در خدمت انتقام شخصی قرار گیرد.

- انتقاد باید دارای جنبه سازنده باشد.

- هر انتقادی در هر زمینه ای باید توأم با ارائه بدیل باشد، نه انتقاد صرف. زیرا انتقاد صرف مشکل گشا نیست. نباید روی موضوعات غیراساسی به درون خوری تشکیلاتی پرداخت و صبح را شام ساخت.

- باید انتقاد در داخل سلول های تشکیلاتی صورت گیرد، نه در خارج آن.

- در انتقاد نمودن باید اصل "تداوی مریض به غرض نجات او نه برای نابودی او" به کار گرفته شود.

- «تشکیلات یعنی ارتباط - ارتباط - ارتباط». بدون ارتباط متقابل کارا و هدفمند، هیچ سازمانی نمی تواند ادعا کند که صاحب تشکیلات است.

- در مورد تشکیلات باید به چند انحراف نظری - عملی توجه دقیق داشت: جلوگیری از گرایشات مضرة لوکالیسم و فراکسیونیسیم، بی برنامه گی، علنی گرایی و مراعات نکردن پرنسیپ های مخفی کاری، و اغتشاش در مسأله عضویت.

در یک زمان واحد نباید چندین وظیفه مرکزی را برگزید.

چنگ انداختن همزمان به چندین حلقه به عنوان حلقه های کلیدی خود سبب پراکندگی در امور و هدر رفتن نیرو می شود. باید در یک زمان یک وظیفه مرکزی و عمده را محکم گرفت که بالای سایر امور تأثیر رهگشایانه و تسریع کننده داشته باشد.

در عین پرداختن به وظیفه مرکزی به عنوان حلقه کلیدی و اساسی کار، باید به موضوعات فرعی و غیر عمده نیز توجه داشت. در صورت بروز مشاجرات درون سازمانی، طرفین فردی یا جمعی باید موارد مشاجره حل نشده را با استدلال و فاکت های لازم به صورت کتبی بابت داوری و حل نهائی آن موارد، به مرکزیت سازمان ارسال بدارند. رهبری باید پس از استماع یا مطالعه گزارشات حاوی ادعا، استدلال و فاکت های هر دو طرف، به تحلیل کنه ادعا و استدلال طرفین پرداخته و با توجه به اصول و منافع جمعی از، موضع صلاحیت سازمانی به اصدار احکام و استنتاج بپردازد. اینست طرز درست، منطقی و کارساز حل اختلاف نظر میان آحاد سازمان و شیوه مقتضی جلوگیری از درون خوری غیرلازم و هدر دادن پتانسیل مبارزاتی سازمان و کادر های سازمانی.

- در درآمیزی با توده های مردم است که ظرفیت مبارزاتی سازمان ارتقاء می یابد.

- اگر " لشکر به علم نیاز دارد ، به علم برداران استوار و از خود گذر نیز نیاز است. و فقط کسی می تواند این علم را بر روی شانه های خود بردارد که افراد لشکر پیشقدمی و جانبازی او را در راه رسیدن به هدف در عمل ببینند زنده یاد." « رهبر».

- رهبرئی که نتواند از خط مشی فکری - سیاسی سازمان دفاع و پاسداری از موازین تشکیلاتی را با قاطعیت و شفافیت به کار، بندد خود به درون خوری غیرضروری و هرج مرج پا می دهد .
رفقای ما قبل از همه باید این حقیقت را درک نمایند که دشمنان ما در قدم نخست کوشش می نمایند تا کادرهای سازمان را نابود نمایند، چه آن ها این را خوب دریافته اند که تربیت یک کادر چندین سال را در برمی گیرد.

بناءً، نکاتی را که ما بر اساس تجارب خونبار خود باید مدنظر داشته باشیم ، این است که از کادر های خود دقیقاً مواظبت و نگهداری لازم بداریم .

هر چه بیشتر باید در اختفای کادر های سازمان بکوشیم و به چهره های ناشناخته و شناخته پوشش طبیعی مناسبی درست کنیم تا در عین مصئونیت نسبی هر رفیق کادر، تحرکات مبارزاتی وی تضمین شود . به خاطر داشته باشیم که دشمنان ما به تعقیب فعالترین ما می پردازند.

در مورد مسأله کادر ها ، همه رفقاء را فرامی خوانیم تا به نکات زیر عطف توجه کنند :

- شناخت همه جانبه از کادر ها ؛

- ارتقاء همه جانبه کادر ها باید بی وقفه انجام گیرد ؛

- تقسیم بندی دقیق وظائف کادر ها ؛

- کمک منظم به کادر ها ؛

- نگهداری و مواظبت از کادر ها .

در مورد قضاوت در باره کادرهای انقلابی مائو تسه دون چنین رهنمودی دارد :

«ما نباید قضاوت ما را در باره یک کادر فقط به یک دوره کوتاه یایک واقعه مشخص از زندگی او محدود کنیم ، بلکه باید تمام زندگی و مجموعه کارهایش را در نظر بگیریم . اینست اسلوب اصلی قضاوت در باره کادرها» .

ما باید طرز درست استفاده از ظرفیت ها ، خلاقیت ها و استعدادهای کاری کادر ها را بیاموزیم و مبتنی بر شناخت دقیق از توانمندی های ذاتی و کسبی هر کادر انقلابی ، او را به وظیفه ای بگماریم .

هیأت رهبری سازمان در تحلیل نهائی در جریان رهبری کلیه امور سازمانی و مبارزه انقلابی در پرتو خط ایدئولوژیک - سیاسی سازمان ، دارای دو مسئولیت اساسی می باشد :

ایده دادن و استفاده از کادر ها، نقشه کشیدن ، تصیم گرفتن ، رهنمود و دستور صادر کردن .

صفات یک کادر خوب :

- وفاداری و اعتقاد خلل ناپذیر آگاهانه به مبانی تئوری انقلابی؛

- تعهد نظری و عملی در پیشگاه طبقات زحمتکش و در قبال منافع ملی و اجتماعی توده های مردم؛
- پیوند نزدیک با توده ها و احساس نمودن نبض زندگی آنها؛ و درک نیازمندی های مبارزاتی با توجه به اوضاع مشخص.

- داشتن جسارت انقلابی در اوضاع دشوار و سرنوشت ساز؛

- استواری و آبدیدگی بلشویکی در مقابله با دشمنان طبقاتی - ملی و انحرافات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی.

در انتخاب کادرها و سپردن وظائف سازمانی و ارتقای آنها و نفوذ در میان توده های مردم، به طور مداوم باید اخلاق انقلابی کادرها را در نظر داشت. زنده یاد "رهبر" در مورد اخلاق انقلابی چنین می گوید: «کسانی که از بام تا شام عرق می ریزند تا برای خود و خانواده خود نان تهیه کنند، ولی حاضر نیستند حتی یک ساعت هم زیر آفتاب به خاطر سازمان و انقلاب بایستند؛ کسانی که برای کارهای شخصی خود هیچ امنیتی نمی شناسند، ولی برای کار سازمانی باید در هر قدم امنیت آنها را سازمان تأمین کند. کسانی که اسرار خانوادگی خود را حتی از نزدیکترین دوستان خود می پوشانند، ولی اسرار سازمانی را بر سر کوچه و بازار جار می زنند؛ کسانی که در زندگی خصوصی خود با انضباط اند، ولی در زندگی سیاسی خود هیچ نوع انضباط نمی شناسند؛ کسانی که برای اهداف شخصی خود شب و روز در تلاش اند و برنامه ای را که برای کار خود وضع کرده اند، بدون کم و کاست اجراء می کنند، ولی به برنامه وضع شده سازمان توجهی مبذول نمی دارند؛ و کسانی که به خط مشی سازمان اعتقاد ندارند، ولی به آن تظاهر می کنند و یا به آن فقط اعتقاد دارند، ولی آن را در عمل پیاده نمی کنند و در عمل خلاف آن را پیاده می کنند؛ دارای اخلاق انقلابی نیستند».

آن عده از رفقای که استعداد و زیرکی خود را در فریب رفقای خود به کار می برند، دارای اخلاق مغایر با اخلاق انقلابی اند. این رفقاء که اعتماد رفیقانه را ضربت می زنند، نیرنگ بازی لومپنانه را جایگزین صداقت انقلابی می سازند، درون خوری و اضمحلال تدریجی سازمان را دامن می زنند، از جمله بدترین افراد در میان ما اند.

نظم را در سازمان قبل از هر چیز باید از نظر ایدئولوژیک به وجود آورد. ریشه تمامی انحرافات را قبل از همه درحوزه تئوریک برکند. انحرافات را فقط با اصولیت می توان از میدان بدر کرد.

- ما باید در بررسی های خود از اوضاع جاری به مطالعه و تحقیق دقیق بپردازیم. طرح هر موضوعی تحلیل خاص خود را نیز می طلبد. در غیر آن ما در میان انبوهی از فاکت ها و تضادها دچار سرگیجه شده و از درک تضادها ناتوان خواهیم ماند و در نتیجه به شناخت لازم از موضوع مورد مطالعه نمی رسیم.

- عده ای از رفقاء که از درک مسائل ناتوان اند و روش دیالکتیکی یافتن تضادها و مشخص ساختن تضاد اساسی و عمده را به کار نمی برند، در مطالعه پدیده های اجتماعی و اوضاع

ورخداد های سیاسی، پیوند های درونی و بیرونی، رابطه علت و معلول و جنبه های مختلفه آن پدیده را در نمی یابند .

- عده ای هم هستند که با پاره ای از معلومات خویش فخر فروشی نموده و همین که در مقابل حرف این عده صحبت و یا هم نظر خلاف میل شان بیان دارید، با هزار و یک نوع نقل قول سیاه خود را سپید جلوه می دهند، اینان خوش دارند که با مورد و بی مورد تمجید و توصیف شوند. این گونه خصال دور از اخلاق انقلابی بوده و باید با انتقاد و انتقاد از خود ، با شکیبائی و حوصله مندی رفیقانه با آن برخورد نمود.

- برخی رفقائی هم هستند که در مقابل اجرای امور سازمانی خیلی ها تنبل و بی علاقه اند ، اما در امور شخصی خویش خیلی فعال اند. کنه و ماهیت این گونه خصال را باید در عدم اعتقاد ایدولوژیک این افراد پی گرفت، ولو این که حاملان آن ادعای انقلابی و سرخ بودن هم داشته باشند .

- زمانی که یک عضو سازمان انقلابی ساحة کار فعالیت انقلابی خود را در نیابد و انرژی خود را به نیروی مولد تبدیل ننماید، به پاسیوته درمی افتد ، بالای زمین و زمان سخن پراگنی بی مورد نموده و به شکوه آغاز می نماید که این به نوبه خود درون خوری تشکیلاتی را گسترده می سازد .

- تصمیم گرفتن روی موضوعات سازمانی وظیفه کمیته اساسی هر واحد تشکیلاتی از طریق جلسات آن می باشد؛ نه مربوط به یک فرد آن کمیته که در آن صورت از کمیته های سازمانی به جز نام، چیزی باقی نخواهد ماند .

- در حالی که به عنوان نیروی خصم امپریالیسم - ارتجاع از شش جهت زیر ضربات مرگبار این دو نیروی اهریمنی قرار داریم، انبوهی از افکار و ایده های غیرانقلابی هردم سر راه ما سبز می شود مارا به خود مشغول می دارد .

- یگانه راه حل، تربیت نسل جدیدی از کادر ها است که بتوانند با دستان توانا، مغز های آگاه و نیروی سرشار از تعهد انقلابی در پیشگاه تاریخ و ستمکشان، مسؤولیت های انقلابی را به دوش گیرند . برای نیل به این مأمول باید به کار آموزشی رفقاء توجه جدی مبذول داشت و این تنها با خواندن چند جلد کتاب میسر نمی شود. باید به گونه خاص برنامه مشخص تربیت فعالان با استعداد و آماده به تربیت شدن را از قلمرو تشکیلات گلچین کرده و زمینه های مادی و معنوی تربیت و آموزش ضربتی آنان را فراهم ساخت. در این امر خطیر همه واحد های سازمانی از هر نگاه و به قدر وسع و توان مسؤولیت دارند . این رفقای جوان باید تئوری انقلابی را در ارتباط دیالکتیکی با واقعیت های جاری ملی و بین المللی فرابگیرند و گام به گام در آن حدی از غنای تئوریک ارتقاء یابند که بتوانند در پرتو آن قانونمندی های جامعه و جنبش خود را کشف نمایند و در پی تغییر آن بر آیند .

- بیرون شدن از درون خوری تشکیلاتی فقط از طریق توجه جدی به سلول های ابتدائی تشکیلات، ارتقاء سطح فهم رفقای مبتدی و جوان ، سازماندهی آنها بر پایه موازین تشکیلاتی، جمع بندی کار تشکیلاتی شهر و روستا، گزارشدهی و گزارشگیری منظم و هماهنگ کادر های مسؤول در تمام

سطوح و... میسر خواهد شد . بدون این کار شاق و با حوصله نمی توان انتظار داشتن صفوف سالم رو به رشد، رهبری زبده و با اوتوریته و سازمان ادامه کار را داشت .
رفقاء! تاریخ جامعه ما از حرکت باز نخواهد ایستاد و این ایام وحشت زا را مداومتی هرگز نخواهد بود . هیچ پدیده ای به جای خود برای همیشه نخواهد بود و همه چیز در حال حرکت و تغییر است . اکنون امپریالیست های متجاوز امریکا - ناتو و ارتجاع منطقه همراه با ارتجاع بومی مقدرات کشور و خلق ستمکش ما را در دست داشته و چون گرگان گرسنه به خوردن گوشت و خون مردم مظلوم و دربند ما مصروف اند . باید با چنگ زدن به اندیشه های انقلابی و خود سازی و انسجام خویش در روشنائی آن، نگذاریم که موجودیت صرف موانع و دشواری های ذاتی امر مبارزه، مانع راه پیمائی تاریخی ما در راه برگزیده ما گردد .

از این طریق است که می توانیم در پیشاپیش مبارزات ستمکشان کشور، سد ها و موانع دشمنان را یکایک با درایت و تدبیر انقلابی از راه برداشته و مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلق در خون تپیده خویش را تا به قله های پیروزی هدایت نموده و آرمان جانبازان سترگ خویش را مدبرانه پیگیری نمائیم . با گام زنی در مسیرت انقلاب کشور است که به مبارزات مشترک طبقه کارگر و خلق های تحت ستم جهان مدد رسانیده می توانیم .

پس دست به دست هم به پیش!

یامرگ یا پیروزی!

سوم حوت ۱۳۹۴ شمسی